

نظارت نهاد قضایی متخصص بر اجرای کیفر؛ مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و ایران

محمدعلی بابایی^{۱*}، عدنان قاسم^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران

چکیده

با پیشرفت اندیشه‌های حقوق کیفری و استحکام مفاهیم بازسازی و بازپروری محکوم علیه، توجه حقوق دانان و اندیشمندان به سوی فرایند اجرای کیفر جلب و عده‌ای از حقوق دانان به تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر روی آوردند. تلاش‌های حقوق دانان و اندیشمندان منجر به شکل‌گیری نهاد قضایی متخصص جهت نظارت بر اجرای کیفر شده است. قانون‌گذاران فرانسه و ایران با این که از اصل تخصصی شدن قاضی ناظر پیروی نموده‌اند، لیکن جایگاه سازمانی نهادهای ناظر و مجازات‌های مشمول نظارت آن‌ها از همدیگر متمایز است. قانون‌گذار فرانسه وظیفه نظارت بر اجرای مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی را به قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها که از میان قضات نشسته برگزیده می‌شود، واگذار کرده است. در مقابل، قانون‌گذار ایران قاضی اجرای احکام کیفری را که تحت ریاست دادستان انجام وظیفه می‌نماید پیش‌بینی کرده است، لیکن مجازات‌های مشمول نظارت این قاضی به مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی محدود نمی‌شود، بلکه فراتر از آن و در دایره‌ای وسیع‌تر است. یافته‌های پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده، نمایانگر آن است که نظارت قضایی، واقعی و هدفمند با مداخله هر قاضی در فرایند اجرا به منظور تعقیب و پیگیری اجرای کیفر محقق نمی‌شود، بلکه این نظارت از سویی، مستلزم مداخله یک قاضی مستقل و بی‌طرف به عنوان قاضی ناظر است که باید از ویژگی‌هایی چون داشتن سابقه قضایی و دانستن بایدها و نبایدهای کیفری برخوردار باشد. از سوی دیگر، باید اختیارات نظارتی الزام‌آور و جایگاهی بالاتر از مقام‌های اداری ناظر بر اجرای کیفر برای او پیش‌بینی شده باشد. بر اساس این معیار، نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران، سنخیت قضایی بیشتری به خود گرفته است و در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مدرن کیفر گامی مثبتی برداشته است.

کلیدواژه‌ها: قاضی ناظر، نظارت قضایی واقعی، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، قاضی اجرای

احکام کیفری، اجرای کیفر، آیین دادرسی کیفری

* نویسنده مسئول مقاله: E-mail: m.babaei@soc.ikiu.ac.ir

مقدمه

به دلیل ناکامی نظارت اداری و نظارت مقام‌های قضایی عمومی بر اجرای کیفر و ناسازگار بودن آن با اهداف بازسازی و بازپروری محکوم‌علیه که از مهم‌ترین اهداف کیفر در دوره علمی و مدرن حقوق کیفری قلمداد می‌شود^(۱)، بسیاری از حقوق‌دانان و اندیشمندان با اذعان به عدم کارایی نظارت اداری بر فرایند اجرای کیفر، تخصصی شدن نظارت قضایی را مطرح نموده‌اند^(۲).

پیشینه تاریخی این ایده، مورد اختلاف نظر حقوق‌دانان و پژوهشگران حقوقی است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که این ایده برای اولین بار در حقوق یوگسلاوی در سال ۱۹۲۹م، مطرح شد و عده‌ای دیگر بر این باورند که قانون مجازات ایتالیا مصوب سال ۱۹۳۰م در زمینه تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر پیشگام بوده است. (سیدهم، ۱۹۸۶م، ص ۲۵۰) فیلیو گراماتیکا - نظریه پرداز افراطی دفاع اجتماعی - سعی بر این داشت که ایده تخصصی شدن قاضی ناظر بر اقدامات دفاع اجتماعی را به مکتب دفاع اجتماعی نسبت دهد (Gramatica, 1964, p.554)، در حالی که مارک انسل - اندیشمند معقول و میانه رو جنبش دفاع اجتماعی جدید - گسترش قاعده تاریخی دفاع اجتماعی اهمیت داده است؛ به طوری که وابستگی آن به گراماتیکا را منتفی می‌داند (یاسین، ۱۹۷۳م، صص ۸۷-۸۸) و ایده تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر را به اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹م منتسب نموده است. (انسل، ۱۳۹۵ش، ص ۴۷)

سیر تحولات اندیشه‌های حقوق کیفری در اروپا را که می‌توان در فعالیت‌های کنگره‌های بین‌المللی ملاحظه کرد، نشان می‌دهد که ایده تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر روند تدریجی داشته است و ریشه تاریخی آن به کشور ایتالیا و دقیقاً کمیته‌های ناظر زندان‌ها^(۳) بر می‌گردد. این کمیته‌ها در نیمه دوم قرن نوزدهم تقریباً وظیفه نظارت بر زندان‌ها و زندانیان را برعهده گرفتند. حقوق‌دانان برجسته ایتالیا در سومین کنگره بین‌المللی حقوق کیفری و زندانبانی که در رم پایتخت ایتالیا و در سال ۱۸۸۵م برگزار شد، ایده قضایی شدن کمیته‌های نظارتی را مطرح کردند. بارسانتی (Barsanti) وکیل ایتالیایی پیشنهاد داد که این کمیته‌ها از رئیس دادگاه تجدیدنظر به عنوان رئیس کمیته و در کنار وی دادستان، یک رئیس دادگاه، وکیل پادشاه، شهردار، سه مشاور از محله‌ای که زندان در آن واقع شده و پنج نفر برگزیده از سوی مقام‌های مذکور، تشکیل شود. (C.P.I. - ROME- 1885, p.333)

از آن زمان به بعد، ایده تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر اهمیت خاصی پیدا کرد و در خیلی از

^(۱) قانون‌گذار فرانسه در بند ۲ ماده ۱۳۰-۱ قانون مجازات مصوب سال ۱۹۹۲م صراحتاً چنین اهدافی را یاد کرده است.

^(۲) برخی از پژوهشگران معتقدند که در حال حاضر فرایند اجرای کیفر در حقوق فرانسه ماهیت قضایی دارد. به نظر می‌رسد آن دسته از پژوهشگران اجرای کیفر را با اعمال کیفر اشتباه گرفته‌اند. در واقع فرایند اجرای کیفر ماهیتاً فرایند اداری است اما اعمال کیفر در حقوق فرانسه سنخیت قضایی و تخصصی را به خود می‌گیرد. جهت مطالعه دیدگاه پیش گفته، ر.ک: (رودسرابی، ۱۳۹۱ش: ص ۲)

^(۳) Commissions de surveillance des prisons

کنگره‌های بین‌المللی مطرح شد. (ضریف، ۲۰۱۹م، صص ۱۸۵-۱۸۸) بدون تردید نفوذ آموزه‌های بازپذیری و بازسازی بزهکار در حقوق کیفری اهمیت مداخله قاضی ناظر بر اجرای کیفر را مضاعف کرده است. برخی از کشورها از جمله فرانسه تحت تاثیر کنگره‌های بین‌المللی و آموزه‌های بازپذیرسازی اجتماعی و بازسازی بزهکار، ایده تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر را مورد توجه قرار داده‌اند و متعاقباً قانون‌گذار ایران نیز از این رویکرد پیروی نموده است (جعفرزاده، ۱۳۸۷ش، صص ۱۲-۱۴)، گرچه هنوز باید حقوق کیفری شکلی ایران در این زمینه مبتدی دانست. به این ترتیب، تلاش‌های حقوق‌دانان و اندیشمندان طرفدار تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر بی‌ثمر نبوده و باعث شده تا برخی از قانون‌گذاران، از جمله قانونگذاران فرانسه و ایران به تأسی از حقوق ایتالیا از این رویکرد پیروی نمایند.

قانون‌گذار فرانسه یک نهاد قضایی متخصص تحت عنوان «نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها» ایجاد کرده و وظیفه نظارت بر اجرای کیفرهای سالب آزادی و نهادهای ارفاقی وابسته به آنها و برخی از کیفرهای محدودکننده آزادی و تعهدات ناشی از آنها را در اختیار آن قرار داده است. (Alinéa 1 de l'art. 712-1 C.P.P.) قانون‌گذار ایران نیز به نوبه خود در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک.، قاضی اجرای احکام کیفری را- که به نظر می‌رسد اطلاعات قضایی کافی در زمینه اجرای احکام کیفری را دارد و یا لاقلاً توقع داشتن تخصص لازم در زمینه اجرای احکام کیفری از وی وجود دارد- پیش‌بینی کرده است بعلاوه در بند (پ) ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها مصوب ۱۳۹۵ش، به قاضی مستقر در زندان‌ها و مؤسسات کیفری را اشاره کرده است.

به طور کلی، هدف از نظارت قضایی^(۱) این است که قضات وابسته به قوه قضائیه، وظیفه پیگیری مداوم و مستمر اجرای کیفر را برعهده بگیرند^(۲). تامین این هدف مستلزم پیش‌بینی شاخصی جهت تعیین درجه و میزان قضایی و تخصصی شدن نظارت بر اجرای کیفر است؛ زیرا مداخله هر قاضی در فرایند اجرا به منظور تعقیب و پیگیری اجرای کیفر، همواره نظارت وی را به نظارت قضایی و متخصص مبدل نمی‌نماید.

نظارت قضایی بر اجرای کیفر مستلزم برخورداری قاضی از ویژگی‌های شکلی و ماهوی قضایی است. از این‌رو، در صورتی که یک قاضی فرایند اجرای کیفر را کنترل و یا از محکومان و مؤسسات کیفری^(۳) بازدید نماید؛ بی‌آن‌که جوانب قضایی خود را به کار گیرد، نظارت وی نظارتی قضایی، واقعی و هدفمند محسوب نمی‌شود، بلکه یک نظارت نمایشی و

(1) Supervision judiciaire

(2) برای جلوگیری از خلط بحث، باید اجرای کیفر (Exécution de la peine) را از اعمال کیفر (Application de la peine) تفکیک کرد. اجرای کیفر روندی ماهیتاً اداری است که طی آن، کیفرهای آنی به محض اجرای حکم محکومیت و کیفرهای مدت‌دار به محض سپری شدن مدت، به سرانجام می‌رسد، اما اعمال کیفر یک اختیار کاملاً قضایی و مستلزم صدور احکام و قرارهایی است که دربردارنده سنجیت قضایی باشد. به همین دلیل، در مباحث اجرای کیفر از اصطلاح نظارت قضایی استفاده می‌شود، اما اعمال کیفر به مداخله قضایی و فرانظارتی نیاز دارد.

(3) Établissement pénitentiaire

ناکارآمد خواهد بود.

در مقام اجرا شاخص‌های قضایی شکلی و ماهوی باید به گونه‌ای اعمال گردد که میزان قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر مشهود باشد. به این ترتیب، قاضی ناظر از یک سو، باید از اصول قضایی مشتمل بر استقلال و بی‌طرفی و از ویژگی‌های لازم مانند داشتن سابقه قضایی و دانستن بایدها و نبایدهای کیفری برخوردار باشد و از سوی دیگر، دارای قدرت الزام‌آور و جایگاهی بالاتر از مقام‌های اداری ناظر بر اجرای کیفر باشد. به نظر می‌رسد قسمت دوم شاخص مذکور، پیامد و نتیجه الزامی قسمت اول آن است. در واقع شاید فراتر از آن بتوان ادعا کرد که استقلال و بی‌طرفی قاضی به منظور فراهم آوردن اختیارات الزام‌آور باشد. بدین ترتیب، نظارت بر اجرای کیفر کاملاً شان و منزلت قضایی به خود می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت، در صورتی که یک قاضی نامستقل و جانبدار بر اجرای کیفر نظارت داشته باشد و یا مستقل و بی‌طرف بوده، لیکن اختیارات نظارتی الزام‌آور و جایگاه بالایی در فرایند اجرا نداشته باشد، نظارت وی نظارتی قضایی محسوب نمی‌شود، اما در صورتی که این قاضی از استقلال، بی‌طرفی و اختیارات نظارتی الزام‌آور برخوردار بوده‌است، لیکن از نحوه برخورد با محکومان، بویژه در مجازات سالب آزادی اطلاع نداشته باشد، علی‌رغم این که نظارت وی نظارتی قضایی محسوب می‌شود، اما این نظارت واقعی و هدفمند نخواهد بود. نظارت قضایی علاوه بر این که متعهد به رعایت قانونی بودن اجرای مجازات‌ها است، اصلاح و بازسازی محکومان را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، پژوهش پیش‌رو نظارت قضایی تخصصی، واقعی و هدفمند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

باتوجه به تحولات چشم‌گیری که حقوق فرانسه در زمینه تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر داشته، بررسی رویکرد حقوق ایران باهدف استفاده از تجربه کشورهای دیگر بویژه حقوق فرانسه در این زمینه مفید خواهد بود. در حقوق ایران، به رغم این که قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نوآوری‌های متعددی در زمینه تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر داشته، به نظر می‌رسد، از تحولات حاصل در این زمینه بی‌بهره مانده است و جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. مقاله پیش‌رو که با روش توصیفی-تحلیلی ضمن شناسایی دلایل شکل‌گیری و استحکام نظارت نهاد قضایی متخصص بر اجرای کیفر، در پی پاسخ به این پرسش است که الگوی مطلوب نظارت قضایی، واقعی و هدفمند بر اجرای کیفر از چه اقتضائات و ویژگی‌هایی برخوردار است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، نخست، نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و صلاحیت محلی آن تحت عنوان جایگاه سازمانی نهاد قضایی عهده‌دار نظارت بر اجرای کیفر، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس قلمرو نظارت نهاد قضایی متخصص و گونه‌شناسی کیفرهای مشمول این نظارت، تحلیل می‌شود و درنهایت میزان سنخیت قضایی نظارت بر اجرای کیفر و وجوه اشتراک و افتراق این نظارت در حقوق فرانسه و ایران، بیان و ارزیابی می‌گردد.

۱. جایگاه سازمانی نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

جهت تعیین میزان استقلال و بی‌طرفی نهاد قضایی عهده‌دار نظارت بر اجرای کیفری و آشنایی با میزان توجه به نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه و ایران، باید به نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و صلاحیت محلی قاضی عهده‌دار این نظارت پرداخته شود.

۱-۱. نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

ساختار نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و نحوه انتصاب قاضی عهده‌دار این نظارت در حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران از تفاوت چشم‌گیری برخوردار است.

۱-۱-۱. ساختار نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

نظارت از سوی یک قاضی متخصص و نه قضات متعدد در حقوق فرانسه دارای سابقه است. ایده نظارت قاضی واحد متخصص بر اجرای کیفر به پایان جنگ جهانی دوم و دقیقاً به شکل‌گیری برنامه اصلاح زندانبانی در سال ۱۹۴۵م که معروف به اصلاح «امور» است، باز می‌گردد. «پول امور» (Paul Amor) در دسامبر سال ۱۹۴۴م زمانی که عضو یک کمیته اصلاح قانون زندانبانی بود، این ایده را ابداع نمود. این کمیته در ماه مه سال ۱۹۴۵م یک برنامه اصلاحی مشتمل بر چهارده اصل پیشنهاد داده و متعاقباً از سوی مقام‌های صلاحیت‌دار به اجرا گذارده شد. این اصول از مکتب دفاع اجتماعی و تجارب بلژیک و پرتغال تأثیر پذیرفته بود. (Carlier, 2009, p.15) اصل نهم برنامه مذکور یک قاضی به نام قاضی اجرا پیش‌بینی و یکسری اختیارات را به وی واگذار کرد. (Hedhili-Azéma, 2019, pp.2-3)

حقوق‌دانان فرانسوی با این که اصلاح «امور» را به عنوان انقلاب در اندیشه‌های حقوق کیفری و زندانبانی تلقی کردند، لیکن در آن زمان قاضی اجرای مجازات که توسط برنامه «امور» پیشنهاد شده بود، مورد توجه قرار نگرفت، بلکه به موجب قانون اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۹۵۸م^(۱) جایگاه قانونی قاضی اجرای مجازات مشخص و نام وی به قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها تغییر یافت. (Goudarzi, 2011, p.47)

در حال حاضر، قانون‌گذار فرانسه نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها را به عنوان نهاد قضایی متخصص پیش‌بینی کرده و مقرر داشته که قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها^(۲) و دادگاه اعمال مجازات‌ها^(۳)، نهاد قضایی اعمال مجازات‌های درجه بدوی را

(1) Ordonnance 58-1296 du 23 décembre 1958 modifiant et complétant le C.P.P. entrée en vigueur le 2 mars 1959, JORF, 24 décembre 1958, pp.11711 et suiv.

(2) Juge de l'application des peines (JAP)

(3) Tribunal de l'application des peines (TAP)

تشکیل می‌دهند^(۱) که در شرایط پیش‌بینی شده توسط قانون، کیفیت و شیوه‌های اصلی اجرای مجازات‌های سالب‌آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی را تعیین می‌کند. علاوه بر این، این نهاد قضایی می‌تواند به منظور تقویت نظارت بر اجرای مجازات هر تغییری را که ضروری بداند، به عمل آورد. (Alinéa 1 de l'art. 712-1 C.P.P.) در واقع، نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها در حقوق فرانسه نقش سه‌گانه‌ای را ایفا می‌نماید. نقش بنیادین این نهاد آن است که کیفر سالب و محدودکننده آزادی را اعمال می‌نماید. منظور از اعمال این کیفرها صادر کردن نهادهای ارفاقی وابسته به کیفر سالب‌آزادی و تعهدات وابسته به برخی از کیفرهای محدودکننده آزادی است. این صلاحیت بی‌نظیر، جنبه‌ای قضاوتی نسبت به کیفرهای مدت‌دار متعرض آزادی تردد، به خود می‌گیرد. (کوشا، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۷) به همین دلیل قانون‌گذار فرانسه عبارت «اعمال کیفر» را به عبارت «اجرای کیفر» ترجیح داده است. از این رو، این نهاد اصولاً هرگز حکم محکومیت را به اجرا نمی‌گذارد، بلکه نهاد دادستانی عمومی علی‌القاعده عهده‌دار انجام این وظیفه است. (Alinéa 1 de l'art. 708 C.P.P.) اعمال کیفرهای فوق‌الذکر و نهادهای ارفاقی وابسته به آن مستلزم نظارت بر اجرای این موارد است. بنابراین، نقش نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نقش تکمیلی و جدایی‌ناپذیری شمرده می‌شود. افزون بر این، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها نیز در برخی از موارد، از جمله در زمینه اعاده حیثیت^(۲) اظهارنظر می‌نماید. (art. 791 C.P.P.) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در حقوق فرانسه بدلیل تسری بارقه‌هایی از ویژگی‌های دادرسی به مرحله اجرای حکم کیفری نظارت و حضور نهاد قضایی متخصص ضرورت پیدا کرده است.

در حقوق کیفری ایران تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ش، مقوله اجرای احکام از سوی یکی از معاونان دادستان با عنوان دادیار اجرای احکام که بعضاً قاضی اجرای احکام نیز شناخته می‌شد، تحت ریاست و نظارت دادستان صورت می‌پذیرفت. بنابراین، عملاً به عنوان یک نهاد مستقل و با عنوان قاضی اجرای احکام، آن هم با اختیارات تعریف‌شده از سوی قانون‌گذار، شناسایی نشده بود. سرانجام پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ش بود که قاضی اجرای احکام کیفری به رسمیت شناخته شد. (امیری و همکاران، ۱۳۹۷ش، ص ۴۹۶) قانون‌گذار ایران این قاضی را جزء تشکیلات معاونت اجرای احکام کیفری دانسته است. (ماده ۴۸۵ ق.آ.د.ک.). قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران نقش چندگانه‌ای را ایفا می‌نماید و وظایف گسترده‌تری از همتای خود در حقوق فرانسه بر عهده می‌گیرد. (ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک.). نقش اول آن، این است که دستور اجرای احکام کیفری لازم‌الاجرا را صادر می‌نماید و همان‌گونه که از نام این قاضی پیداست، قانون‌گذار نقش اجرای احکام کیفری را نقشی بنیادین قلمداد کرده است. در کنار این

^(۱) طبق ماده (۷۱۲-۳) ق.آ.د.ک. فرانسه دادگاه اعمال مجازات‌ها در سطح دادگاه تجدید نظر تشکیل می‌شود. به دلیل اینکه رئیس این دادگاه همان قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها و نقش نظارت این دادگاه غیر مستقیم است، لذا بررسی آن از این حیطة این پژوهش خارج است.

^(۲) Réhabilitation

صلاحیت، قاضی اجرای احکام کیفری بر شیوه اجرای احکام، زندان‌ها و برخی از مجازات‌های دیگر نظارت می‌نماید. (ماده ۴۹۵ ق.آ.د.ک.). همچنین در موارد اعمال کیفرهای سالب و محدودکننده آزادی این قاضی گاه به مقام صلاحیت‌دار مشورت می‌دهد و گاه مبادرت به اخذ تصمیم می‌ورزد، لیکن این نقش اخیر در حقوق ایران در مقایسه با نقش قاضی اعمال-کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه کم‌رنگ است.

قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران مقامی است در معاونت اجرای احکام که تحت ریاست و نظارت دادستان و اصلی‌ترین وظیفه وی نظارت بر اجرای صحیح مجازات‌ها است. با این‌که قانون‌گذار ایران سعی بر این داشته که قضایی شدن نظارت این قاضی را تقویت نماید، لیکن به نظر می‌رسد قاضی اجرای احکام کیفری همان دادیار اجرای حکم در قوانین قبلی است با این تفاوت که قاضی اجرای احکام کیفری طبق تبصره ماده ۴۸۵ ق.آ.د.ک. باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضائی داشته باشد.

۱-۲. نحوه انتصاب قاضی ناظر بر اجرای کیفر

نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه با صدور قانون اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۹۵۸م وارد دوره جدیدی شده است. قانون‌گذار فرانسه تلاش کرده تا یک نهاد نظارتی متفاوت از آنچه که در حقوق اروپا پیش‌بینی شده بود را بنیان‌نهد. مطابق قانون مزبور، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، از سوی وزیر دادگستری^(۱) و پس از جلب نظر شورای عالی قضات از بین قضات دادگاه عالی به مدت سه سال با قابلیت تجدید، منصوب می‌شد و به همان شیوه وظیفه وی به پایان می‌رسید. در صورت غیبت و یا بیماری قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها یا حدوث دیگر موانع، دادگاه عالی جانشین او را تعیین می‌نمود^(۲). امری که انتقادات حقوق‌دانان فرانسه را برانگیخت؛ زیرا منصوب کردن و کنار گذاشتن قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها از سوی وزیر دادگستری که در شمار مقام‌های قوه مجریه می‌باشد، استقلال قوه قضائیه و استقرار نظام دادرسی را به مخاطره می‌انداخت. (بلغیث، ۲۰۰۸م، ص ۷۰) به همین جهت قانون‌گذار فرانسه در قانون اصلاحیه مصوب سال ۱۹۷۲م، اختیار تعیین و انتصاب قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را از وزیر دادگستری سلب و به رئیس جمهور واگذار کرد و بدین ترتیب، برخی از انتقادات حقوق‌دانان برطرف شد (art. 36 de la Loi n°72-1226 du 29 décembre 1972)، لیکن آنچه که در قانون اصلاحیه سال ۱۹۷۲م مورد قبول قرار نمی‌گرفت، تعیین دوره سه ساله برای انجام وظیفه قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها بود؛ زیرا این مقررات منجر شده بود تا قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها به تکالیف خود اهمیت نداده و به کارمندی اداری مبدل گردد. (بلغیث، منع پیشین، ص ۷۱)

(1) Arrêt

(2) Art.721 C.P.P. de 1958 avant la modification.

این وضعیت تا صدور قانون سازگار کردن نهاد قضایی با تحولات بزهکاری در سال ۲۰۰۴م^(۱) که به قانون «پربن ۲» (Perben II) معروف و مأخوذ از نام وزیر دادگستری فرانسه است - که طرح این قانون را به مجلس ملی معرفی و از آن دفاع کرد - ادامه داشت. (Kramer, 2005, p.183) این قانون احکام منحصر به فردی را مقرر کرده که در هر دادگاه عالی^(۲)، یک یا چند قاضی نشسته مکلفند وظایف قاضی اعمال کننده مجازات‌ها را برعهده گیرند. این قضات از سوی رئیس جمهور^(۳) و پس از مشورت با شورای عالی قضات منصوب می‌شوند و وظیفه آنان به همان شیوه به پایان می‌رسد. چنانچه یک قاضی اعمال کننده مجازات‌ها نتواند به طور موقت وظایف خود را انجام دهد، رئیس دادگاه عالی قاضی دیگری را جایگزین وی می‌کند. قاضی اعمال کننده مجازات‌ها به منظور انجام کار خود از یک نویسنده دادگستری که از نویسندگان دبیرخانه دادگاه است استفاده می‌کند. (art. 712-2 et art. D49-29 C.P.P.) سرانجام، قانون‌گذار فرانسه حدود اختیارات قاضی اعمال کننده مجازات‌ها را گسترش داده و مقرر کرده است: «در هر دادگاه قضایی، یک یا چند قاضی نشسته که فهرست اسامی آنان به موجب دستور صادره از سوی رئیس جمهور تعیین می‌شود، مکلفند وظایف قاضی اعمال کننده مجازات‌ها را برعهده گیرند [...] و رئیس دادگاه قضایی را جایگزین رئیس دادگاه عالی کرده است [...]». (art. 712-2 C.P.P.) با این اوصاف، قانون‌گذار برای برخی از قلمروهای فرایابی استثناء قائل شده و وظیفه قاضی اعمال کننده مجازات‌ها را به رئیس دادگاه بدوی^(۴) واگذار کرده است. (art. 868-1 et art. 934 C.P.P.)

بی‌تردید قاضی اعمال کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه از میان قضات نشسته برگزیده می‌شود، نه از میان قضات ایستاده. همچنین ملاحظه می‌شود که این قاضی از انجام وظایف خود در دادگاه اصلی ممنوع نمی‌باشد، بلکه یک یا چند قاضی از قضات این دادگاه علاوه بر انجام تکالیف خود، وظیفه اعمال مجازات‌ها و نظارت بر اجرای آنرا برعهده می‌گیرند. (وزیر، ۱۹۷۸م، ص ۳۷۴) این شیوه انتصاب و نحوه عملکرد، هم استقلال و بی‌طرفی قاضی اعمال کننده مجازات‌ها را فراهم می‌آورد، هم در افزایش اختیارات نظارتی این قاضی و تقویت دانستن بایدها و نبایدهای کیفری وی نقشی کلیدی ایفا می‌نماید.

در نظام کیفری ایران در هر دادرسی معمولاً بخشی به نام اجرای احکام کیفری فعالیت می‌کند. در دادگاه‌های بخش که تفکیکی بین دادرسی و دادگاه نیست، دادرسی بخش - و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل - وظایف دادستان که از جمله نظارت بر اجرای احکام کیفری است را نیز انجام می‌دهند. در هر شعبه اجرای احکام، قاضی اجرای احکام حضور دارد و این شعب نیز تحت نظر سرپرست اجرای احکام فعالیت می‌کنند. (فتحی و اقبالی، ۱۳۹۵ش، ص ۲) قاضی اجرای احکام کیفری به عنوان جزئی از مقام‌های قضایی حوزه دادرسی و نهاد معاونت اجرای احکام انجام وظیفه می‌کند. البته اصالتاً اجرای

(1) Loi n°2004-204 du 9 mars 2004 portant adaptation de la justice aux évolutions de la criminalité et en vigueur le 1er janvier 2005.

(2) Tribunal de Grande Instance (TGI)

(3) Décret

(4) Tribunal de Première Instance (TPI)

احکام کیفری به عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت وی - آن هم در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد - در دادسرا می‌تواند واقع گردد. (امیری و همکاران، منبع پیشین، ص ۵۰۰) به نظر می‌رسد تبعیت قاضی اجرای احکام کیفری از دادستان، استقلال و بی‌طرفی این قاضی را مخدوش و جریحه‌دار می‌کند. استقلال و بی‌طرفی قاضی اجرای احکام کیفری را باید از دو منظر بررسی کرد: نگاه نخست ناظر بر استقلال و بی‌طرفی دادستانی است که قاضی اجرای احکام کیفری زیر نظر وی انجام وظیفه می‌نماید. نگاه دوم استقلال و بی‌طرفی قاضی اجرای احکام کیفری در مقابل دادستان است که برای وی حق ریاست بر قاضی اجرای احکام کیفری پیش‌بینی شده است. (طهماسبی، ۱۳۹۸ش، صص ۵۶-۵۷) ولی به هرحال در نظام حقوقی ایران اجرای احکام کیفری زیر نظر دادستان انجام می‌شود و بدین جهت علی‌رغم انتقاد به این شیوه اجرا، قضات اجرای احکام کیفری نمی‌توانند مستقل از دادستان باشند.

بررسی سیر تحولات نهاد دادستانی عمومی نمایانگر این واقعیت است که وظیفه تاریخی دادستان عمومی که نقش خصمانه‌ای در برابر متهمان و محکومان ایفا می‌نماید (حومد، ۱۹۸۷م، صص ۱۵۰-۱۶۲)، از تحقق بخشیدن به اصل استقلال و بی‌طرفی جلوگیری می‌کند. در حال حاضر، تحولات صورت گرفته در دیوان اروپایی حقوق بشر و برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه نشان‌دهنده تمایل جهانی به زیر سوال بردن استقلال و بی‌طرفی نهاد دادستانی عمومی است. (Coumont, 2017, pp.5-6) در پرونده آقای مدودیف و دیگران علیه فرانسه (CEDH, 29 mars 2010, n°3394/03) و پرونده خانم مولان علیه فرانسه (CEDH, 23 novembre 2010, n°37104/06)، دیوان اروپایی حقوق بشر فرانسه را محکوم نمود و حکم محکومیت مبتنی بر این که دادستانی عمومی از استقلال و بی‌طرفی کافی برخوردار نیست. دیوان عالی کشور فرانسه به نوبه خود از دیوان اروپایی حقوق بشر پیروی نموده است و دادستانی عمومی را نهادی قضایی مستقل و بی‌طرف به حساب نمی‌آورد. (Cass. Crim., 15 décembre 2010, n°207)

در رابطه میان دادستان و قاضی اجرای احکام کیفری، با این که عده‌ای از حقوق‌دانان سعی بر این داشتند که از استقلال قاضی اجرای احکام کیفری در مقابل دادستان حمایت کنند، لیکن با این اوصاف، اذعان کردند که «هرچند قانون‌گذار گام‌های مثبتی در جهت مستقل و مطلوب اجرا برداشته است؛ اما نمی‌توان ادعا داشت قاضی اجرای احکامی که در دادسرا به انجام وظیفه می‌پردازد و اصول سلسله مراتبی و تجزیه‌ناپذیری در آن وجود دارد و قاضی اجرا، از منظر قضایی، معاون یا دایار دادسرا و دادستان محسوب می‌شود و از منظر اداری، تحت نظارت مستقیم دادستان قرار دارد، از استقلال قضایی کافی برخوردار است». (مؤذن زادگان، ۱۴۰۰ش، صص ۴۸-۴۹) به همین دلیل باید گفت که نحوه انتصاب قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران با الگوی قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر همخوانی ندارد و در پرتو مقررات فعلی نمی‌توان ادعا داشت که نظارت قاضی اجرای احکام کیفری نظارت قضایی، واقعی و هدفمند شمرده می‌شود.

۱-۲. صلاحیت محلی قاضی ناظر بر اجرای کیفر

صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه همراه با پیشرفت و گسترش قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر دست‌خوش دگرگونی شده است. با شکل‌گیری نهاد قاضی اجرای مجازات در حقوق فرانسه به موجب اصلاح «امور»، سه قاضی اجرای مجازات در سال ۱۹۴۶م در زندان‌های مرکزی^(۱) آنسیسیم^(۲)، آگنو^(۳) و میلوز^(۴) مشغول به کار بودند. (Renneville, 2013, p.15)

اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۹۵۸م از قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها یاد کرده و تعداد آنان را افزایش داده و چنین مقرر نمود: «در دادگاه‌هایی که به موجب آیین‌نامه مشخص می‌گردد، یک قاضی به انجام وظایف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها اهتمام دارد»^(۵). البته باید اشاره کرد که معیار پیش‌بینی‌شده در آیین‌نامه مزبور کاملاً معیاری جغرافیایی بود؛ بی‌آن‌که حوزه‌های قضایی یا مؤسسات کیفری را در نظر گیرد. (Anis Besbes, 2010, <https://www.village-justice.com>) این معیار باعث شده تا یک قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در قلمروی دو حوزه قضایی یا بیشتر انجام وظیفه نماید. از این‌رو، برخی از حقوق‌دانان اشاره کردند که همه دادگاه‌های عالی به اهمیت و ضرورت قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها اعتقاد راسخ نداشتند؛ زیرا در برخی از این دادگاه‌ها، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها منصوب می‌شد. در مقابل، در برخی از دادگاه‌های دیگر چنین قاضی منصوب نشده بود، بلکه قضات اعمال‌کننده حوزه‌های قضایی دیگر در آن دادگاه‌ها انجام وظیفه می‌نمودند. (بلغیث، منبع پیشین، ص ۷۲) قانون‌گذار فرانسه برای از بین بردن این وضعیت نابسامان، در سال ۱۹۷۲م صلاحیت محلی قضات اعمال‌کننده مجازات را گسترش داد و مقرر کرد که در هر دادگاه عالی یک یا چند قاضی نشسته، مکلف به انجام تکالیف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها می‌باشد و در هر مؤسسه کیفری که در حوزه قضایی آن دادگاهی واقع شده باشد، انجام وظیفه می‌نمایند. بنابراین، معیار تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی دادگاه عالی که در آن مؤسسه کیفری محکوم‌علیه وجود دارد، صورت می‌پذیرد. (art. 36-37 Loi n°72-1226 du 29 décembre 1972) بدین ترتیب بسیاری از خلأها برطرف شد. با این اوصاف، در پرتو این اصلاحات و بازنگری‌ها، برخی از مسائل بی‌پاسخ ماند. لذا قانون‌گذار فرانسه در سال ۲۰۰۴م و به مقتضای قانون سازگار کردن نهاد قضایی با تحولات بزهکاری «پرن ۲» این احکام را بازنگری و با توجه به وضعیت محکوم‌علیه، صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را سازمان‌دهی کرد.

(1) Maisons centrales

(2) Ensisheim

(3) Haguenau

(4) Mulhouse

(5) Alinéa 1 de l'art.721 C.P.P. de 1958 avant la modification.

قانون‌گذار ایران، قواعد صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام را به صورت پراکنده پیش‌بینی کرده است و از شیوه قانون‌گذار فرانسه پیروی ننموده است، بلکه هنگام تعیین نقش قاضی اجرای احکام کیفری در نظارت بر یکایک مجازات‌ها و نهادهای ارفاقی به صلاحیت محلی این قاضی نیز پرداخته است. با این اوصاف، چنان‌که در ادامه مشخص می‌شود، قانون‌گذار ایران و فرانسه نسبتاً از معیارهای یکسانی برای تعیین صلاحیت محلی پیروی کرده‌اند.

۱-۲-۱. صلاحیت محلی نهاد ناظر در حالت بازداشت محکوم‌علیه

چنان‌که در پیش‌اشاره شد، طبق آخرین بازنگری قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در سال ۲۰۱۹ در هر دادگاه قضایی، یک یا چند قاضی نشسته، مکلفند وظایف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را برعهده گیرند. (Alinéa 1 de l'art. 712-2 C.P.P.) به نظر می‌رسد برای تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، صلاحیت محلی دادگاه مد نظر قانون‌گذار بوده است، لیکن صلاحیت محلی دادگاه به عنوان معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها به تنهایی مورد پذیرش قرار نگرفته است، بلکه قانون‌گذار، محل وجود مؤسسه کیفری بازداشت‌کننده محکوم‌علیه را که در حوزه قضایی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها واقع شده است، به عنوان معیار اصلی تعیین مجازات تلقی کرده است. قانون‌گذار صریحاً مقرر کرده که از لحاظ صلاحیت محلی، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی که در آن مؤسسه کیفری بازداشت‌کننده محکوم‌علیه واقع شده است، صلاحیت دارد. (Alinéa 1 de l'art. 712-10 C.P.P.)

در حقوق ایران، چنان‌که قبلاً اشاره شد؛ قانون‌گذار ایران، قواعد صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام را به صورت پراکنده پیش‌بینی کرده است. علی‌القاعده صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام کیفری محدود به قلمرو دادرسی است که حکم در آن به اجرا گذارده می‌شود. (امیری و همکاران، منع پیشین، ص ۵۰۱) طبق بند پ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها تاریخ ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۹۵ ش در صورتی که محکوم‌علیه بازداشت شده باشد، قاضی مستقر که با دستور دادستان در زندان‌ها و یا مؤسسات کیفری انجام وظیفه می‌کند بر اجرای کیفر نظارت می‌نماید.

۱-۲-۲. صلاحیت محلی نهاد ناظر در صورت آزادی محکوم‌علیه

قانون‌گذار در حقوق فرانسه و ایران شمار زیادی از کیفرهای محدودکننده آزادی و همچنین نهادهای ارفاقی را که به مجازات سالب‌آزادی وابسته است، پیش‌بینی کرده است. اصولاً کیفرهای محدودکننده آزادی و نهادهای ارفاقی وابسته به مجازات سالب‌آزادی باعث آزادی محکوم‌علیه می‌شود. لذا قانون‌گذار ناچار شده است در این موارد نیز تعیین تکلیف نماید.

معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها - در صورتی که محکوم علیه آزاد بوده باشد - محل اقامت دائم وی است و در صورتی که در فرانسه محل اقامت دائم نداشته باشد، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها دادگاهی است که به محکوم علیه رسیدگی را در درجه بدوی انجام داده است، صلاحیت پیدا می‌کند. (Alinéa 1 de l'art. 712-10 C.P.P.)

این معیار به نظر منطقی می‌رسد؛ زیرا به طور معمول محکوم علیه پس از آزاد شدن وی به محل اقامت او روی می‌آورد، لیکن تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها بر اساس محل اقامت دائم محکوم علیه ممکن است با نوع و ماهیت اقدام مفروض هماهنگ و سازگار نباشد؛ زیرا ممکن است، محل اقامت دائم محکوم علیه در خارج از محل اجرای اقدام واقع شده باشد. در این حالت نظارت از سوی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در محل اقامت دائم محکوم علیه طاقت فرسا و غیرممکن می‌شود. لذا قانون‌گذار فرانسه با توجه به نوع و ماهیت اقدام اتخاذ شده، صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را مشخص کرده است. به این ترتیب، قانون‌گذار برای جلوگیری از معایب معیار محل اقامت دائم محکوم علیه، معیار محل وجود محکوم علیه را در پیش گرفته و مقرر کرده که چنانچه اقدام اشتغال در فعالیت‌های خارج از زندان (استقرار در خارج) یا اقدام نیمه‌آزادی باید در خارج از حوزه اختصاص قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها که آن اقدام را صادر کرده است، اجرا شود، محکوم علیه نام خود را در فهرست بازداشت‌شدگان نزدیک‌ترین محل اجرای اقدام، ثبت می‌نماید و قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در محل اجرای اقدام - در صورت نیاز - از اختیارات تعیین یا تعدیل شرایط اجرای اقدام، صادر کردن اقدام و یا پیشنهاد لغو معطوف بما سبق آن^(۱) که از اختیارات قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی محل وجود مؤسسه کیفری است، برخوردار می‌شود. همچنین هنگامی که حبس در منزل تحت نظارت الکترونیکی و یا آزادی مشروط مورد تأیید قرار گیرد، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی که در آن، محل انجام نظارت الکترونیکی محکوم علیه یا محل اقامت دائم وی که در قرار قضایی صادره مشخص شده است واقع می‌شود، صلاحیت پیدا می‌کند. (Alinéa 2-3 de l'art. 712-10 C.P.P.)

قانون‌گذار ایران در کیفرهای محدودکننده آزادی، محل اجرای کیفر را به عنوان معیار دانسته است. نظارت بر اجرای کیفرهای تبعید و نفی بلد، اقامت اجباری در محل معین و ممنوعیت از اقامت در محل یا محل‌های معین از طریق اعطای نیابت قضایی به قاضی اجرای احکام کیفری در محل اجرای این کیفرها انجام می‌پذیرد. در نهادهای ارفاقی وابسته به کیفر سالب آزادی چون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام کیفری، محل اقامت محکوم علیه می‌باشد و در صورتی که اقامتگاه در حوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده رأی باشد، محکوم علیه

(1) Retrait

می تواند اجرای این موارد را در محل اقامت خود تقاضا نماید. در این صورت، قاضی مجری حکم، با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت وی، وظیفه نظارت بر اجرای این اقدامات را منتقل می نماید. (ماده ۵۵۸ ق.آ.د.ک.) به نظر می رسد، قانون گذار ایران از تعیین تکلیف در صورتی که محکوم علیه در ایران محل اقامت به دائم نداشته باشد، چشم پوشی کرده است.

۲. قلمرو نظارت نهاد قضایی متخصص

چنان که قبلاً اشاره شد، قانون گذار فرانسه صراحتاً مقرر کرده که: نهاد قضایی اعمال کننده مجازات ها طبق شرایط پیش بینی شده در قانون، کیفیت و شیوه های اصلی اجرای مجازات های سالب آزادی و برخی از مجازات های محدود کننده آزادی را تعیین می کند. علاوه بر این، این نهاد قضایی می تواند به منظور تقویت نظارت بر اجرای مجازات هر تغییری را که ضرورت پیدا کند، به عمل درآورد. (Alinéa 1 de l'art. 712-1 et l'art. D49-27 C.P.P.) قانون گذار فرانسه در مقام تنظیم نهاد قضایی اعمال مجازات ها بیشتر به دنبال اعمال مجازات ها بوده است تا نظارت بر اجرای آن. بدیهی است همه کیفرها مورد اعمال نظارت قرار نمی گیرد، بلکه کیفرهای مدت دار سالب و محدود کننده آزادی را که نهادهای ارفاقی و تعهداتی را به دنبال می آورد، می توان مشمول اعمال نظارت کرد. بنابر آنچه گفته شد می توان گفت که قانون گذار فرانسه نسبت به مجازات های مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات ها از رویکرد برگزیده (تحدید) پیروی و دایره شمول این مجازات ها را به مجازات های سالب آزادی و برخی از مجازات های محدود کننده آزادی محدود کرده است.

در حقوق ایران گونه شناسی انواع مجازات ها و اقدامات مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری در متن واحدی و به شیوه قانون گذاری فرانسه نیامده است. در واقع دستیابی به جمع بندی در راستای مجازات ها و اقدامات تأمینی که مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری قرار می گیرند، آسان به نظر نمی آید؛ زیرا قواعد اجرای احکام کیفری در حقوق ایران تا حدودی پراکنده و در یک قانون پیش بینی نشده است. با این وجود، می توان از بخش پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ش که تحت عنوان «اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی» قرار دارد و سایر آیین نامه های ذی ربط، استنباط کرد که قانون گذار وظیفه نظارتی قاضی اجرای احکام کیفری را به مجازات های سالب و محدود کننده آزادی محدود نکرده است، بلکه این وظیفه نظارتی، بسیاری از مجازات ها را دربرمی گیرد. (بند ب ماده ۴۸۹، تبصره ۱ ماده ۵۳۹ و ماده ۵۴۳ ق.آ.د.ک.) بنابراین، می توان گفت که قانون گذار ایران در راستای مجازات های مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری از رویکرد نسبتاً فراگیر (اطلاق) پیروی نموده است.

به نظر می رسد تقسیم بندی کیفرها بر اساس مدت اجرای آن در مباحث نظارت قضایی اهمیت ویژه پیدا می کند. در کیفرهای آنی، اجرای حکم محکومیت همان اجرای کیفر می باشد؛ چرا که این کیفرها علی القاعده در یک لحظه اجرا

می‌گردد، لیکن در کیفرهای مدت‌دار اجرای حکم محکومیت به معنی آغاز اجرای کیفر می‌باشد؛ زیرا اجرای این کیفرها به گذر زمان نیاز دارد. بنابراین، می‌توان گفت که نظارت بر اجرای کیفرهای مدت‌دار چالش‌های زیادی به دنبال دارد و باید در نظارت بر اجرای این موارد توجه بیشتری شود. گفتنی است که قانون‌گذار ایران و بسیاری از حقوق‌دانان، از عبارت اجرای حکم کیفری استفاده کرده اما عبارت اجرای کیفر در ایران رایج نیست. (جوانمرد، ۱۳۹۱ش، ص ۳۹. موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۲) از نظر نگارندگان، در کیفرهای مدت‌دار بهتر است از اصطلاح «اجرای کیفر» اما در کیفرهای آتی از اصطلاح «اجرای حکم محکومیت» استفاده شود.

۱-۲. نظارت قضایی بر اجرای کیفرهای مدت‌دار

کیفرهایی که به گذر زمان، به عنوان عنصر لازمه جهت تحقق رنج و آزار نیاز دارد، کیفرهایی مدت‌دار به حساب می‌آیند. در این کیفرها، باید مقام‌های قضایی به طور مداوم و مستمر بر اجرای آن نظارت نمایند. کیفرهای مدت‌دار شامل کیفرهای سالب و محدود کننده آزادی تردد و کیفرهای سالب و محدود کننده حقوق می‌گردد.

۱-۱-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای سالب آزادی

مجازات سالب آزادی در حقوق فرانسه نقش بی‌ظیری را ایفا می‌نماید و به عنوان رایج‌ترین و گسترده‌ترین مجازات تلقی می‌گردد. مجازات‌های سالب آزادی جنایی عبارت‌اند از حبس جنایی ابد و اعتقال ابد، و یا حبس جنایی موقت و اعتقال موقت که مدت حداقل آن پانزده سال و حداکثر سی سال می‌باشد. قاضی می‌تواند مدت حداقل را تا ده سال کاهش دهد. (art. 131-1 C.P.) گفتنی است که مجازات اعتقال صرفاً در جرایم از نوع جنایت سیاسی اعمال می‌گردد، اما مجازات سالب آزادی جنحه‌ای، حبس جنحه‌ای است که با توجه به مدت حداکثر آن به هشت درجه تقسیم می‌شود: حبس جنحه‌ای ده ساله، هفت ساله، پنج ساله، سه ساله، دو ساله، یک ساله، شش ماهه و دو ماهه. (art. 131-4 C.P.) قانون‌گذار فرانسه برای جرایم از نوع خلاف، مجازات‌های سالب و محدود کننده آزادی را به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی نکرده است. (art. 131-12 C.P.) بنابراین، مجازات‌های اصلی خلاف مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نیستند، لیکن مجازات کار عام‌المنعفه برای مدت بیست ساعت تا صد و بیست ساعت می‌تواند مجازات تکمیلی جزای نقدی خلاف درجه پنجم باشد؛ مانند برخی از تخلفات رانندگی. (Alinéa 2 de l'art. 131-17 C.P.) به این ترتیب، نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها بر چنین مجازاتی نظارت می‌نماید. (اوتانی، ۲۰۰۹م، ص ۴۵۴)

قانون‌گذار فرانسه به منظور کاهش اثرات منفی مجازات سالب آزادی نهادهای ارفاقی را پیش‌بینی کرده است که می‌توان آنها را به نهادهای ارفاقی و شیوه‌های پراهمیت، کم‌اهمیت و فراگیرنده تقسیم کرد. نهادهای ارفاقی و شیوه‌های پراهمیت شامل دوره تأمینی و نظارت قضایی بر محکومان خطرناک و همچنین استقرار تحت نظارت الکترونیکی سیار به عنوان اقدام

تأمینی می‌باشد. نهادهای ارفاقی و شیوه‌های کم‌اهمیت که در مجازات‌های سالب‌آزادی سبک قابل اعمال می‌باشد، عبارت‌اند از آزادی تحت محدودیت^(۱)، تقسیم و تقسیط مجازات، نیمه‌آزادی، مرخصی خروج، اجازه خروج تحت الحفظ، استقرار تحت نظارت الکترونیکی، تعلیق مجازات و تعویق کیفردهی. افزون بر این، گروهی از نهادهای ارفاقی که در مجازات‌های سالب‌آزادی سبک و سنگین مورد اعمال قرار می‌گیرند، شامل تعلیق موقت مجازات، تخفیف مجازات، اشتغال در فعالیت‌های خارج از زندان (استقرار در خارج)، آزادی مشروط و تعقیب اجتماعی - قضایی می‌گردند. همه این موارد زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد، بازداشت موقت^(۲) و حضور در محل سکونت تحت نظارت الکترونیکی^(۳) که جایگزین بازداشت موقت است، مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نمی‌باشد. گرچه بازداشت موقت شباهتی ظاهری با مجازات سالب‌آزادی دارد، لیکن در مقابل، تفاوتی ماهوی در میان آن‌ها وجود دارد. قرار بازداشت موقت در حقوق فرانسه در موارد معین صادر می‌گردد؛ در صورتی که متهم در مظان ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که مجازات آن برابر با سه سال حبس جنحه‌ای یا بیشتر است، قرار گرفته و یا این که یکی از تعهدات کنترل قضایی یا حضور در محل سکونت تحت نظارت الکترونیکی را نقض کرده باشد. (art. 143-1 C.P.P.) در حقوق فرانسه، اصولاً یک قاضی جهت نظارت بر اجرای بازداشت موقت و بازداشتگاه‌ها به نام قاضی آزادی‌ها و بازداشت. (JLD) پیش‌بینی شده است (Pinel, 2019, pp.29-30)

در حال حاضر، حقوق ایران به تاحدی مشابه حقوق فرانسه مجازات حبس را مورد توجه بیشتری قرار داده است. در عین حال گسترش اعمال مجازات حبس، معایب اساسی نیز به دنبال دارد. (کرمانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۹۲) از این رو، قانون‌گذار ایران نهادهای ارفاقی را پیش‌بینی کرده تا معایب مجازات حبس کاسته شده و به حداقل برسد. (رستمی، ۱۴۰۲ ش، ص ۱۵۴) افزون بر این، قانون‌گذار به منظور هدایت مجازات حبس به سوی بازسازی و بازپروری محکوم‌علیه، به نظارت بر اجرای آن اهمیت خاصی قائل شده و در بند پ ماده ۱ و ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها مورخ ۱۳۹۵ / ۱۲ / ۲۴ ش لازم دانسته که قاضی اجرای احکام کیفری به عنوان قاضی مستقر در زندان‌ها و مؤسسات کیفری حاضر باشد. در خارج از زندان نیز قاضی اجرای احکام کیفری با استمداد از مأموران مراقبتی بر اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نظارت می‌نماید. (مواد ۵۵۵ - ۵۵۶ ق.آ.د.ک.)

۲-۱-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای محدودکننده آزادی

(۱) Libération sous contrainte (LSC)

(۲) Détention provisoire (DP)

(۳) L'assignation à résidence avec surveillance électronique (ARSE)

در حقوق فرانسه کیفرهای محدودکننده آزادی از تنوع چشم‌گیری برخوردارند. معیار تفاوت بین کیفرهای سالب آزادی و کیفرهای محدودکننده آزادی، وسعت جغرافیایی محل اجرای کیفر و امکان برقراری ارتباط با دیگران می‌باشد. مهم‌ترین مجازات‌های محدودکننده آزادی که زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: تعلیق مراقبتی^(۱) ایجاد شده در سال ۲۰۱۹ (Valentine, 2021, p.8)، مجازات کار عام‌المنفعه^(۲) و مجازات ممنوعیت از اقامت^(۳).

باید متذکر شد که قانون‌گذار فرانسه در فصل مربوط به نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها اشاره کرده که این نهاد بر همه مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی نظارت می‌کند. عبارت قانون‌گذار در این زمینه قابل تحسین می‌باشد؛ زیرا همه مجازات‌های محدودکننده آزادی در حقوق فرانسه، زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار نمی‌گیرد. از جمله مجازات دوره کارآموزی شهروندی^(۴) که مجازات جایگزین حبس جنحه‌ای محسوب می‌شود و به مقتضای آن، محکوم علیه ارزش‌های جمهوری فرانسه و تکالیف شهروندی را فرامی‌گیرد. (art. 131-5-1 C.P.) در برخی از موارد، این مجازات به عنوان مجازات تکمیلی مجازات‌های خلاف - در موارد تصریح آیین‌نامه ذی‌ربط - به حساب می‌آید. (art. 131-16 C.P.) البته باید اشاره کرد که مجازات دوره کارآموزی شهروندی با این که مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نیست، لیکن قانون‌گذار در برخی از موارد، این مجازات را به عنوان یکی از تعهدات تعلیق مراقبتی پیش‌بینی کرده است و مادام که تعلیق مراقبتی مجازات زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد، قانون‌گذار ناچار شده مداخله قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در دوره کارآموزی شهروندی را نیز مورد شناسایی قرار دهد. (art. 132-45 C.P.) در کنار این مجازات، مجازات ممنوعیت از خاک کشور نیز مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نمی‌باشد. مجازات ممنوعیت از خاک یا سرزمین فرانسه^(۵) بر علیه اتباع غیر فرانسوی که مرتکب جنایت یا جنحه شده‌اند، صادر می‌گردد. این مجازات می‌تواند به عنوان مجازات اصلی و یا به عنوان مجازات تکمیلی جنحه‌ای باشد. (art. 131-30 à 131-30-2 C.P.)

در حقوق ایران، کیفرهای محدودکننده آزادی مواردی متعددی را شامل می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها تبعید و نفی‌بلد، محرومیت از سکونت در نوار مرزی، ممنوعیت از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، اقامت اجباری در محل معین و ممنوعیت از اقامت در محل یا محل‌های معین، کیفرهای محدودکننده آزادی می‌باشد. (ماده ۲۳ ق.ا.م.ا). قواعد مربوط به نظارت قاضی اجرای احکام کیفری بر اجرای این کیفرها، به صورت پراکنده، پیش‌بینی شده است. نظارت بر محکومانی که در محل تبعید و یا در محل اقامت اجباری به سر می‌برند، برعهده قاضی اجرای احکام کیفری است. (ماده ۵۴۶ ق.آ.د.ک.). مجازات ممنوعیت از اقامت نیز تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری و با کمک نیروی انتظامی اجرا می‌گردد. ممنوعیت

(1) Sursis probatoire

(2) Travail d'intérêt général (TIG)

(3) Interdictions de séjour

(4) Stage de citoyenneté

(5) Interdiction du territoire français (ITF)

خروج اتباع ایران از کشور و اخراج بیگانگان از کشور نیز زیر نظارت قاضی مزبور قرار می‌گیرد. (مواد ۸، ۱۴ و ۱۵ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۳ش راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ق.ا.م.صوب ۱/۲/۱۳۹۲ش)

۲-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای آنی

کیفرهایی که مستلزم گذر زمان به عنوان عنصر لازمه جهت تحقق رنج و آزار نمی‌باشد، کیفرهایی آنی تلقی می‌گردند. در این کیفرها، همان مقام‌های مجری حکم کیفری الزاماً بر اجرای آن نظارت دارند. بنابر این تعریف، می‌توان گفت در حقوق ایران کیفرهای مالی، بدنی و سالب حیثیت زیر دسته کیفرهای آنی قرار می‌گیرد.

کیفرهای مالی شامل دیه، جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال می‌شود. قانون‌گذار ایران نسبت به نظارت بر اجرای کیفرهای مالی یا به اصطلاح قانون‌گذار اجرای محکومیت‌های مالی از رویکرد واحدی پیروی نکرده است. جزای نقدی تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری، اجرا می‌گردد؛ چرا که قانون‌گذار مداخله این قاضی در اجرای جزای نقدی و نظارت بر کسر ایام بازداشت قبلی را تصریح نموده است (تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک.) و همین نظارت را بر اجرای دیه نیز جاری می‌داند. (ماده ۵۳۳-۵۳۴ ق.آ.د.ک.). معاونت اجرای احکام کیفری - به تصریح قانون‌گذار - مکلف است دستورات دادستان و آرای لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری را در مورد ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، وصول دیه و موارد ذی‌ربط اجرا نماید. (ماده ۵۳۷ ق.آ.د.ک.). از این رو، معاونت اجرای احکام کیفری نیز بر اجرای کیفرهای مالی نظارت می‌کند؛ زیرا اجرای کیفرهای آنی به معنی نظارت بر اجرای آن است.

کیفرهای بدنی در حقوق ایران جلوه‌های متعددی دارد که عبارت‌اند از: قصاص، اعدام، رجم، صلب، تازیانه و قطع عضو. (احمدی، ۱۳۸۶ش، ص ۵۳) قانون‌گذار لازم دانسته که در حین اجرای مجازات قصاص نفس، علاوه بر حضور برخی از مقام‌ها، قاضی اجرای احکام کیفری نیز حضور داشته باشد. (ماده ۵۴۳ ق.آ.د.ک.). در موارد اجرای مجازات سنگسار نیز قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است احکام و فعالیت اجرا را بررسی و تأیید نماید. (ماده ۵۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات [...] مورخ ۲۷/۳/۱۳۹۸ش) هنگام اجرای مجازات قصاص عضو، حضور قاضی اجرای احکام کیفری در کنار اشخاص دیگر ضروری بوده و قاضی اجرای احکام کیفری نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم را برعهده می‌گیرد. (مواد ۸۰ - ۸۱ همان آیین‌نامه) اجرای حکم شلاق با نظارت قاضی اجرای احکام کیفری انجام پذیرفته و توسط نماینده وی شمارش می‌شود (ماده ۱۲۷ همان آیین‌نامه)، لیکن آیین‌نامه پیش‌گفته در تنظیم و سامان‌دهی نحوه اجرای مجازات صلب هیچ اشاره‌ای به نقش قاضی اجرای احکام کیفری نداشته است. (مواد ۵۸-۵۹ همان آیین‌نامه)

کیفرهای سالب حیثیت در حقوق ایران عبارت‌اند از: اعلان حکم به وسیله نصب پارچه یا پلاکارد در محل وقوع جرم، اعلام نام در جراید، معرفی از رسانه‌های گروهی و انتشار حکم محکومیت قطعی از رسانه‌ها. (اردبیلی، ۱۴۰۳، صص ۱۰۲-۱۰۳) شایان ذکر است که قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (۱۳۶۷ش)، قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه (۱۳۶۸ش) و قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ش) به پیش‌بینی این مجازات‌ها بسنده کرده است؛ بی‌آن‌که از قاضی و معاونت اجرای احکام کیفری صراحتاً سخن به میان آورد. بنابراین، باید قائل به نظارت همان مقام‌های مجری حکم کیفری باشیم که مطابق ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری معاونت اجرای احکام کیفری در زمره این مقام‌ها می‌باشد. این نظارت بر مجازات تراشیدن مو نیز صادق است.

نتیجه‌گیری

اصل تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر در واکنش به شکست نظارت اداری، نظارت دادستانی عمومی و سایر مقام‌های قضایی صورت پذیرفته است. این اصل ماهیت اداری فرایند اجرای کیفر را انکار نمی‌کند، بلکه قصد دارد به تلاش‌های مقام‌های اداری و قضایی مجری کیفر سامان دهد.

به موازات انتقاد به نظارت اداری بر فرایند اجرای احکام کیفری توجیهات فراوانی برای دخالت نهاد قضایی متخصص در مرحله اجرای کیفر ارائه شده است از جمله: ضرورت رفع اشکالات و ایرادات اجرایی که مستلزم مداخله مقام قضایی متخصص است. همچنین ضرورت توسعه فرایند دادرسی و رعایت اصول ترافع به فرایند اجرای حکم که طرفداران زیادی دارد بعلاوه غیرقابل اجتناب بودن امور مستحدثه مانند نیابت قضایی در فرایند اجرا که مستلزم اظهارنظر قضایی است. به هرحال هر توجیه و تعلیلی که در خصوص ضرورت مداخله مقام قضایی متخصص در فرایند اجرای حکم کیفری صورت پذیرد، به عنوان یک اصل مبتنی بر رعایت عدالت و درک شرایط محکوم‌علیه به عنوان عامل انسانی، توجه به آن در حال حاضر یک واقعیت انکار ناپذیر است.

در مقام مقایسه قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه با قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران به نظر می‌رسد قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها از استقلال و بی‌طرفی کافی برخوردار است؛ زیرا از میان قضات نشسته دادگاه برگزیده شده و تابع رأی دادستان و قضات بالاتری نمی‌باشد، اما قاضی اجرای احکام کیفری ایران به دلیل این‌که تحت ریاست دادستان انجام وظیفه می‌نماید، از استقلال و بی‌طرفی لازم برخوردار نیست و قهراً باید خواسته دادستان را در خصوص نحوه اجرای حکم اجابت نماید.

با توجه به الگوی قضایی و تخصصی شدن نظارت بر اجرای کیفر، چنین بر می‌آید که رویکرد قانون‌گذار فرانسه به مراتب

با این الگو انطباق دارد و می‌توان گفت نظارت قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه نظارت قضایی، واقعی و هدفمند شمرده می‌شود. این درحالی است که قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران با دادیار اجرای احکام تفاوت آنچنانی ندارد و در پرتو مقررات فعلی، نظارت وی از نظارت قضایی، واقعی و هدفمند تا حد زیادی فاصله دارد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران یک مقام قضایی به نام «قاضی ناظر متخصص» پیش‌بینی کند. قاضی ناظر باید از قضات نشسته که دارای رتبه برترند، برگزیده شده و از اصول و ویژگی‌های قضایی مانند استقلال، بی‌طرفی، سابقه خدمت قضایی و علم و اطلاع کافی از علوم معین حقوق کیفری مانند جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی و .. بایدها و نبایدهای کیفری برخوردار باشد. افزون بر این، باید اختیارات الزام‌آور و جایگاه بالاتری نسبت به مقام‌های مجری برای وی پیش‌بینی شود. قاضی ناظر بر اجرای همه مجازات‌ها؛ خواه آنی باشد، خواه مدت‌دار نظارت می‌نماید و دادستان مکلف است هماهنگی لازم را در خصوص نظارت این قاضی انجام دهد. در کیفرهای سالب و محدودکننده آزادی، قاضی ناظر لازم است باهدف تحقق بخشیدن به اصلاح و بازسازی محکومان نظارت خود را اعمال کند.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۳ش) **حقوق جزای عمومی**. جلد ۳، چاپ ۲۹، تهران: نشر میزان.
۲. اصغر، احمدی موحد (۱۳۸۶ش). **اجرای احکام کیفری**. چاپ ۲، تهران: نشر میزان.
۳. امیری، مهدی، رمضانی؛ احمد، گلدوزیان، ایرج و صلاحی، سهراب. (۱۳۹۷ش). مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان. **مطالعات حقوق تطبیقی**، ۹(۲)، ۴۹۳-۵۱۹.
<https://doi:10.22059/jcl.2017.243924.633561>
۴. انسل، مارک (۱۳۹۵ش). **دفاع اجتماعی**. ترجمه‌شده توسط علی حسین نجفی ابرند آبادی و محمد آشوری، تهران: گنج دانش.
۵. جعفرزاده، فخرالدین (۱۳۸۷ش). **اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه**. اصفهان: دادیار.
۶. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۱ش). اجرای احکام کیفری در نظام دادرسی ایران در پرتو ملاحظات حقوق بشری با تأکید بر اسناد بین‌المللی. **فصلنامه قضاوت**، ۱۲(۷۷)، ۳۹-۴۴.
<https://api.semanticscholar.org/CorpusID:189285781>
۷. خالقی، علی (۱۴۰۲ش). **نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری**. تهران: شهر دانش.
۸. خالقی، علی (۱۴۰۳ش). **آیین دادرسی کیفری**. جلد ۱، تهران: شهر دانش.
۹. رستمی، هادی (۱۴۰۲ش). ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران (با تأکید بر گسترش افراطی و ناکارآمدی).

آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰ (۲۵)، ۱۵۳-۱۷۸. <https://doi:10.30513/cld.2023.1735>

۱۰. رودسرای، حسن (۱۳۹۱ش). **قضایی شدن اجرای احکام کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۱. سبزواری، زهرا (۱۳۸۶ش). **قضایی شدن مرحله اجرایی مجازات سالب آزادی در حقوق ایران و فرانسه**. رساله دکتری، رشته حقوق جزا، دانشکده فقه و حقوق جزا، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری.

۱۲. طهماسبی، جواد (۱۳۹۸ش). **آیین دادرسی کیفری (اجرای احکام کیفری)**. جلد ۴، تهران: نشر میزان.

۱۳. فتحی، مرتضی؛ اقبالی، عباس، (۱۳۹۵ش). وظایف قاضی اجرای احکام کیفری در قوانین جزایی ایران. **اولین همایش ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی**، ۱-۱۴.

<https://civilica.com/doc/668274/>

۱۴. کرمانی، عارفه مدنی (۱۳۸۵ش). **اجرای احکام کیفری**. چاپ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۵. کوشا، جعفر (۱۳۸۹ش). **جرایم علیه عدالت قضایی**. چاپ ۲، تهران: نشر میزان.

۱۶. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ جهانی، بهزاد (۱۴۰۰ش). ساختار اجرای احکام کیفری ایران در پرتو اصل استقلال قضایی.

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹ (۱۸)، ۳۱-۵۵.

<https://doi:10.22034/jclc.2021.268731.1459>

۱۷. موسوی فرد، سیدمحمد رضا؛ اختری، سجاد؛ اسدی، راضیه؛ مومنی، سجاد (۱۳۹۶ش). وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی علوم انسانی و روان‌شناسی، تهران، **شرکت**

بین‌المللی کوشا، ۱-۱۳. <https://civilica.com/doc/676702>

۱۸. نظری، زهرا (۱۴۰۲ش). نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات. **فصلنامه تمدن**

حقوقی، ۶ (۱۷)، ۱۵۱-۱۶۸. <http://doi:10.22034/lc.2023.424456.1409>

ب - منابع عربی

۱۹. أوتانی، صفاء (۲۰۰۹م). العمل للمنفعة العامة في السياسة العقابية المعاصرة - دراسة مقارنة. **مجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونية**، ۲۵ (۲)، ۱۶۲-۱۲۹.

۲۰. بلغیث، سمیه (۲۰۰۸م). **مبدأ التدخل القضائي في مرحلة تنفيذ الجزاء الجنائي**. رسالة ماجستير، قسم القانون الجنائي، معهد العلوم القانونية و الإدارية، المركز الجامعي محمد العربي بن مهدي، أم البواقي.

۲۱. حومد، عبد الوهاب (۱۹۸۷م). **أصول المحاكمات الجزائية**. الطبعة ۴، دمشق: مطبعة الجديدة.

۲۲. سیدهم، رفیق أسعد (۱۹۸۶م). **دور القاضي الجنائي في تنفيذ العقوبة - دراسة مقارنة**. رسالة دكتوراه، قسم القانون الجنائي، كلية

الحقوق، جامعة عين شمس، القاهرة.

٢٣. ضريف، شعيب (٢٠١٩م). *آليات تنفيذ العقوبة السالبة للحرية*. رسالة دكتوراه، قسم القانون الجنائي وعلم الإجرام، كلية الحقوق، جامعة الجزائر، الجزائر.

٢٤. وزير، عبد العظيم مرسي (١٩٧٨م). *دور القاضي في تنفيذ الجزاءات الجنائية*. القاهرة: دار النهضة العربية.

٢٥. ياسين، السيد (١٩٧٣م). *السياسة الجنائية المعاصرة - دراسة تحليلية لنظرية الدفاع الاجتماعي*. القاهرة: دار الفكر العربي.

ج - منابع فرانسوى

26. Anis Besbes, Mohammed. *Le JAP: Une véritable juridiction de l'application des peines*, (Village de la Justice, 22 novembre 2010). Accédé en janvier. 10, 2025, disponible sur le site: <https://www.village-justice.com/articles/veritable-juridiction-application,9090.html>
27. Carlier, Christian, (2009). Histoire des prisons et de l'administration pénitentiaire française de l'Ancien Régime à nos jours. *Criminocorpus*, 2(5) 1-30. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.246>
28. Cass. Crim., 15 décembre 2010, Bull. Crim. n°207.
29. CEDH, Affaire Medvedyev et autres c. France, Grande Chambre, 29 mars 2010, Requête n°3394/03.
30. CEDH, Affaire Moulin c. France, Cinquieme Section, 23 novembre 2010, Requête n°37104/06.
31. Collet, Philippe. (2016). La conception de l'impartialité du juge par la chambre criminelle de la Cour de cassation. *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 3(3), 485-504. <https://doi.org/10.3917/rsc.1603.0485>.
32. Coumont, Mélanie (2017). *Le rôle du ministère public dans l'exécution de la peine*. Mémoire de Master, Institut de Droit et Economie d'Agen, Université de Bordeaux.
33. De la Cuesta, José Luis, 2015. *Résolutions des Congrès de l'Association Internationale de Droit Pénal (1926 - 2014)*. 2015, 86ème année - nouvelle série 1er et 2ème trimestres 2015, Paris: Revue internationale de droit pénal.
34. Goudarzi, Mohammad Reza (2011). *La peine privative de liberté - Étude de Droit comparé Franco-Iranien*. Thèse de Doctorat, Faculté de Droit, Sciences Économiques et Gestion-École doctorale des Sciences Juridiques, Politiques, Économiques et de Gestion (SJPEG), Université Nancy 2.
35. Gramatica, Filippo (1964). *Principes de Défense Sociale*. Paris: Cujas.
36. Hedhili-Azéma, Hinda (2019). La réforme d'administration pénitentiaire Amor de mai 1945. *Criminocorpus*, 3(7), 1-9. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.6244>
37. Kramer, Pierre. (2005). La loi Perben II et les évolutions de la justice pénale. *Études*, 402(2), 175-183. <https://doi.org/10.3917/etu.022.0175>.

38. Pinel, Valérine (2019). *La détention provisoire et son impact sur les droits des justiciables*. Mémoire de Master, Faculté de Droits, Université de Laval à Québec.
39. Renneville, Marc (2013). Que tout change pour que rien ne change? Aux origines de la judiciarisation de l'exécution des peines en France (1789-1958). *Criminocorpus*, 1(4), 1-22. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.2517>
40. Valentine, Legrand (2021). *Le travail d'intérêt général, une peine en pleine evolution*. Mémoire de Master, Faculté de Droits et de science politique, Université de Aix-Marseille.

Specialized Judicial Supervision at Sentence Execution; Comparative study in French and Iranian law

Mohammad Ali Babaei*¹ & Adnan Qasem²

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

2. Master's degree in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Abstract

With the advance in criminal law thoughts, the emergence of redevelopment concepts, and the defeated party's rehabilitation, jurists' and thinkers' attention was attracted to the process of punishment execution of arrest. Some jurists turned to the specialization of presiding judges on punishment execution. Jurists' and thinkers' attempts have led to the formation of a specialized judicial institution to supervise punishment execution. Although France and Iran's legislators comply with the principle of specialized judicial supervision at Sentence Execution, the organizational position of presiding institutions and punishments included in their presiding are disparate. France's legislator has assigned the responsibility of supervising the punishment execution resulting in deprivation of freedom and some of the punishment resulting in restricting freedom to the Judge Applicator of the Punishments that is chosen among the passing judges. Whereas, Iran's legislator have predicted the execution judge of criminal judgment works under the directorship of the prosecutor, supervision on the punishment execution of this judge is not limited to punishment execution resulting in deprivation of freedom and restricting freedom; it is further than that and it is in a more extended scope. The findings of the current research, which were carried out with a descriptive-analytical method and a library collection tool, show that the meaningful judicial supervision won't be ascertained with the judge's interference in the process of execution to pursue the punishment execution. On one hand, this supervision required an independent and impartial judge's interference as a supervising judge which needs judicial experience and knowledge of criminal dos and don'ts. On the other hand, binding supervising jurisdictions and a position higher than supervising administrative authorities on punishment execution should be predicted. Based on this criterion, studies indicated that compared to Iran's Law,

* Corresponding Author: E-mail: m.babaei@soc.ikiu.ac.ir:

judicial supervision on punishment execution in France's law has more authenticity and has taken positive steps to realize modern Punishment aims.

Keywords: Supervisor Judge, Effective Judicial Supervision, Judge Applicator of the Punishments, Execution Judge of Criminal Judgment, Execution of the Punishment, Criminal procedure

نسخه پیش از انتشار